

برگزاری جلسه بمناسبت روز جهانی زن در گوتنبرگ



به نقل از نشریه کمونیست ماهانه،



چپ و مسئله زن، کمونیسم کارگری و مسئله زن

گفتگو با آذر ماجدی

کنفرانس
روز زن

تورنتو - کانادا

پیام سازمان
آزادی زن
بمناسبت
۸ مارس

تظاهرات
بمناسبت روز
زن در گوتنبرگ

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



به نقل از نشریه کمونیست ماهانه،

چپ و مسئله زن، کمونیسم کارگری و مسئله زن

گفتگو با آذر ماجدی

هشدار می داد که باید زنان هم در مبارزه شرکت داشته باشند وگرنه انقلاب پوپولیستی آنها به پیروزی نائل نمی شد. حتی این مشاهده که در تحلیل از اوضاع انقلابی مکرراً بچشم می خورد: "زنان دوش بدوش مردان در انقلاب شرکت داشتند." حاصل یک بینش مردسالار است و قربانی با مارکسیسم ندارد.

بهرحال سخن کوتاه کنیم. خواست تشکل مستقل با حرکت از "ضرورت" و بشکلی پراگماتیستی در آن مقطع مطرح شد. اما در شرایط حاضر این شعار نقطه سازش زنان چپ فمینیست با سازمانهای شرمنده از شوینسم سابق است. شعار تشکل مستقل زنان در دهه 80 میلادی توسط زنان فعال چپ در تبعید مطرح شد. اما اکنون دیگر جنبه و موضوعیت خود را از دست داده است. لذا زنان چپ فمینیست و سازمان های چپ سنتی دگر بار به سراغ "زنان طبقه کارگر" رفته اند و خواست جدایی تشکیلاتی زنان و مردان کارگر را مطرح می کنند.

کمونیست ماهانه: چپ ایران بدنبال انقلاب در قبال مسئله زن چه دیدگاه و سیاستی را دنبال میکند؟ چرا عده ای از همین چپ امروز جریانات چپ را متهم میکنند که نقشی در دفاع از حقوق زن نداشته است و حتی به روی کار آوردن جمهوری اسلامی کمک کرده است؟ نظر شما چیست؟

آذر ماجدی: در پاسخ به سوال اول تا حدودی به این مساله پرداخته شد. چپ ایران عمدتاً پوپولیست و تحت حاکمیت اخلاقیات و افکار شرق زده قرار داشت. گروه خون این چپ به علی شریعتی و جلال آل احمد نزدیکتر بود تا به مارکس، انگلس، کولونتای و آرماند. از نظر اخلاقی چپ پوپولیست با مجاهدین نزدیکی بسیار داشت. کتاب مبتدل "فاطمه، فاطمه است" علی شریعتی

با عروج و رشد سرمایه داری در ایران در دهه 40 شمسی، حضور زنان در سطوح مختلف اجتماع گسترش یافت. بویژه تعداد دانش آموزان و دانشجویان دختر بسیار وسیع شد. از سوی دیگر تعداد زنان کارگر و کارکن رشد کرد. در دهه 50 حضور زنان در جنبش چریکی چپ و اسلامی توجه را بخود جلب نمود. علیرغم تعداد انگشت شمار، حضور زنان در عرصه مبارزه سیاسی- نظامی با رژیم دیکتاتوری خشن، نمونه ای از تحول در موقعیت اجتماعی- سیاسی زنان در جامعه بود.

در متن چنین شرایطی انقلاب 57 شکل گرفت. زنان جوان و دختران نوجوان وسیعاً در تحركات سیاسی و انقلابی شرکت داشتند. اولین نطفه یک جنبش اجتماعی توده ای حقوق زن در همین مقطع بسته شد. علیرغم فرهنگ و اخلاقیات عقب مانده و شرق زده حاکم بر جنبش چپ وقت که مهمترین اولویت سیاسی خود را "مبارزه ضد امپریالیستی" می دانست و مبارزه با "فرهنگ امپریالیستی" یک وجه مهم این مبارزه را تشکیل می داد، صرف حضور زنان جوانی که با شجاعت و از خود گذشتگی بسیار در مبارزه برای آرمانشان شرکت داشتند، مساله زن را بیکی از مسائل در دستور جنبش چپ و حتی سازمان مجاهدین بدل کرد.

در این مقطع ادبیات بخش عمده چپ مملو از کلیشه های مانوئیستی- پوپولیستی بود. نزد این چپ، محور اصلی مساله زن را امر برابری و آزادی تشکیل نمی داد، بلکه این مساله برایش نقشی ابزاری داشت و شیوه برخوردش بیک معنا اپورتونیستی بود. بطور مثال: "بدون شرکت زنان هیچ انقلابی پیروز نمی شود!" یکی از شعارهای اصلی آن بود. این شعار خطاب به مردان خلق بود. به آنها

کمونیست ماهانه: نگرش کمونیسم کارگری نسبت به مسئله زن تفاوتی بنیادی دارد. در آستانه روز جهانی زن میخوایم مروری به برخی مقولات و مسائل اساسی داشته باشیم. اولین نکته بحث متشکل شدن است. عده ای از "تشکل مستقل زنان کارگر" سخن میگویند. منشا این بحث در میان چپ کجاست و چه استدلالی پشت آن است؟

آذر ماجدی: خواست تشکل مستقل زنان کارگر بطور گذرا در سالهای 60-1357 مطرح می شد. در آن مقطع تئوری خاصی پشت این خواست نبود. دنباله روی از شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم، چپ را به این موضع می رساند. تسلیم به و دنباله روی از شرایط موجود تحت نام "احترام به فرهنگ و سنت های خلق" یکی از خصلت های عمده چپ پوپولیست است. جنبش پوپولیست بر این عقیده بود که "حجاب" فرهنگ توده هاست و با این استدلال نه تنها آنرا توجیه می کرد، بلکه اکثریت قریب باتفاق زنان پوپولیست خود زیر حجاب رفته بودند. از سوی دیگر حاکمیت رژیم اسلامی و تلاش برای تحمیل حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی این چپ را کاملاً در مقابل این شرایط به تسلیم کشانده بود. درک جنبش چپ پوپولیست از مساله زن، یک درک محدود و کلیشه ای از کلاسیک های جنبش کمونیستی بود. علیرغم اعلام دفاع از برابری زن و مرد، از اینرو که مارکسیسم و جنبش کمونیستی از این خواست دفاع می کرد، زن کارگر و مطالباتی که صرفاً به محیط کار مربوط می شد، تنها مساله مورد توجه چپ پوپولیست بود. اما در آن مقطع بخش کوچکی از زنان طبقه کارگر در بیرون خانه و در کارخانه ها شاغل بودند. بنابراین از نظر کمیت نیز زنان نمی توانستند جایگاه بالایی در لیست کار این جنبش داشته باشند. اما شکل گیری یک جنبش قوی حقوق زن از یک سو و وجود فعالین بسیار زن در صفوف جنبش چپ این سازمانها را مجبور به اعلام موضع و دخالت در این عرصه می کرد.

امپریالیست" ارزیابی می شد. لذا حاضر نبود که بخش "عمده" مبارزه را قربانی بخش "غیر عمده" یعنی آزادی مدنی و فردی زنان کند. سازمانهای چپ علی العموم موضعی نگرفتند. اما باید توجه داشت که سازمانهای زنان که جملگی وابسته به سازمانهای چپ موجود بودند در تظاهرات وسیع خود انگیخته زنان شرکت کردند. هر چند که علاوه بر تلاش برای رهبری آن عمدتاً نقش مبصر این تحرکات را ایفاء می کردند.

من در آن مقطع هم با یکی از این سازمانهای زنان فعالیت می کردم و هم با سازمان اتحاد مبارزان کمونیست. ام ک مساله حجاب را محکوم کرد. اما این سازمان در ابتدای شکل گیریش و کوچک بود. خوب بخاطر دارم که در جلسات سازمان زنان مهمترین مساله مورد بحث مبارزات ضد امپریالیستی، برخورد دوگانه به دولت و کار با زنان زحمتکش بود. مساله حجاب برای فعالین این سازمان که وابسته به یک سازمان پوپولیست خط 3 بودند از اهمیت چندانی برخوردار نبود.

تظاهرات و اعتراض زنان به همان روز 8 مارس محدود نشد، یک هفته بطول انجامید. هفته پر شور و هیجانی بود. روحیه انقلابی و رادیکالی بر تظاهرات حاکم بود. متأسفانه سازمانهای زنان می کوشیدند رادیکالیسم ضد دولتی آنرا تخفیف دهند. تحصن در دادگستری، جلسات در زمین چمن دانشگاه تهران و بالاخره یک جلسه از فعالین اصلی شرکت کننده در این تحرکات در دفتری در خیابان تخت طاوس نقطه پایان این دور از مبارزات ضد حجاب بود که به عقب نشینی دولت انجامید. در جلسه در دفتر تعدادی وکیل در خیابان تخت طاوس، فضا عمدتاً دست زنان حقوقدان بود که خط سیاسی شان به جبهه ملی نزدیک بود. در همین میتینگ عکس العمل من به سخنان یک زن سرشناس خط فدایی که از دولت "ملی" دفاع می کرد، فضا را برای مدتی منقلب کرد. در این میتینگ می شد تشخیص داد که مساله اصلی هیچیک از این زنان حقوق و آزادیهای فردی و مدنی زنان نبود. خط سازمانی شان را در آنجا دنبال می کردند. زنان وکیل و حقوقدان نگران مشاغل خود بودند. حال اگر این تیب فعالین از سازمان های چپ طلبکار شوند، باید گفت که هیچ احترامی به عقل و شعور خودشان نمی گذارند و زنان را

صفحه 4

چپ و مسئله زن،

کمونیسم کارگری و مسئله زن ...

آن مقطع زنان چپ بودند. بطور نمونه سازماندهندگان مراسم متعدد 8 مارس در سال 57 و 58 و کنفرانسی که در آبانماه 59 در دانشکده پلی تکنیک برگزار شد و همچنین سخنرانان آن، زنان چپ بودند. از مقطع جنبش انقلابی تا خرداد 60 که کشتار مخالفین و کمونیست ها در زندان ها آغاز شد سازمانهای زنان به اشکال مختلف ابراز وجود می کردند، نشریه و اطلاعیه منتشر می کردند، جلسه تشکیل می دادند و درگیر فعالیت هایی برای آگاه کردن و سازمان دادن زنان بودند. وسیع یا محدود، این سازمانها تنها بروز سازمانیافته دفاع از حقوق زنان بودند. بنابراین ادعایی که در سوال مطرح شده نه تنها دروغ بلکه یک موضع ارتجاعی است. این ادعا بعضاً از جانب جنبش ناسیونالیسم پرو غرب و بعضاً توسط زنان فعال در تبعید که پیش از این خود از فعالین سازمانهای چپ بودند اعلام می شود.

کمونیست ماهانه: در کشمکش برسر حجاب اسلامی در دوره خمینی چپ چه سیاستی داشت؟ این سیاست تا چه حد توجه زنان را جلب میکرد و نقد شما به آن چه بود؟

آذر ماجدی: اولین کشمکش بر سر حجاب دو هفته پس از قیام رخ داد، در 8 مارس یا 17 اسفند 57. در آن مقطع بخش عمده چپ نسبت به جریان اسلامی و شخص خمینی بسیار متوهم بود. این همان چپی بود که فعالین زنش در تظاهرات تاسوعا، عاشورا و اربعین "داوطلبانه" حجاب بسر کرده بودند. (و خوب بخاطر دارم که تعدادی از آنها من و دو تن از دوستانم را که بی حجاب در تظاهرات شرکت کرده بودیم، نصیحت می کردند که برای وحدت خلق علیه نظام شاه حجاب بسر کنیم.) مهمترین مساله این چپ پوپولیست یا طرفدار شوروی مبارزه "ضد امپریالیستی" یا ضد آمریکایی بود. خمینی نزد این چپ بعنوان "خرده بورژوازی مترقی ضد

جزء لیست کتابهای این جریانات قرار داشت. به آزادی زن بعنوان یک مقوله مبتذل امپریالیستی نگریسته می شد. هر گاه در مورد آزادی زن صحبت می شد، این چپ خود را موظف می دید که با فساد اخلاقی مرزبندی کند. از نظر فرهنگی این چپ خود را با مائونیسم که عمدتاً یک جنبش روستایی - ناسیونالیستی چپ بود نزدیک می دید. لباس پوشیدن و ظاهر دختران چپ خود شاهدهی بر این مدعا است. بسیاری از دختران چپ برای نزدیکی با خلق روسری به سر می کردند. مساله "عفاف" و "متانت" از همان دید سنتی جامعه جایگاه بالایی نزد این جنبش چه زن و چه مرد داشت.

این چپ خواستهای سیاسی، اجتماعی و مدنی زنان را بورژوازی ارزیابی می کرد و لذا نه تنها در دفاع از آنها نقشی ایفاء نمی کرد، بلکه بعضاً این خواستها را محکوم و مدافعین آنرا به سخره می گرفت. لقب "طاغوتی" که از طرف رژیم اسلامی باب شده بود و به فعالین زن مدافع حقوق زن، بطور نمونه فعالین علیه تحمیل حجاب اطلاق می کرد، با طرز نگرش و تفکر این چپ قرابت داشت. اما علیرغم تمام این محدودیت ها و عقب ماندگیها، چپ تنها جنبش سیاسی بود که از بخشی از مبارزات زنان دفاع کرد. دفاع مارکسیسم از برابری زن و مرد آنچنان محکم و صریح است که جنبش چپ نمی توانست به مساله زن کاملاً بی تفاوت باشد. در سطح شعار، چپ از برابری زن و مرد دفاع می کرد، اما عمدتاً این دفاع را به زنان کارگر و زحمتکش محدود می نمود. ضمناً باید توجه داشت که اکثریت قریب باتفاق فعالین سازمانهای زنان وابسته به سازمانهای چپ بودند. تنها جمع زنان غیر چپ، زنان وابسته به جبهه ملی بود که در سطحی محدود ابراز وجود می کردند و با اولین حملات حزب الهی به حاشیه رانده شدند.

کسانی که چپ را متهم می کنند، ظاهراً زنان چپ را از سازمانهای چپ جدا می کنند، وگرنه فعالین اصلی دفاع از حقوق زن در

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

اکنونمیستی در برخورد به جنبش حقوق زن را زتکین در جزوه ای با عنوان "زنان پرولتار و انقلاب سوسیالیستی" که ابتدا بعنوان سخنرانی در کنگره حزب سوسیال دموکرات آلمان در سال 1896 ارائه و سپس به سند حزب سوسیال دموکرات آلمان بدل شد، نشان می دهد. اما اگر چنین نگرشی در آن مقطع، بخاطر شرایط سیاسی - اجتماعی وقت، ضربه بزرگی به مبارزه طبقاتی پرولتاریا نمی زد، اکنون ضربه مهمی به مبارزه پرولتاری، سازماندهی انقلاب کارگری و استراتژی قدرت گیری طبقه کارگر و حزب کمونیستی آنست. یک تفاوت عمده کمونیسم کارگری با چپ غیر کارگری در همین شیوه برخورد و نگرش نهفته است. مهم اینست که این جنبش ها و مکان آنرا تشخیص داد و کوشید که در آن هژمونی پرولتاری یا کمونیستی اعمال کرد. یک وجه مهم دیگر کمونیسم کارگری رابطه رفرم و انقلاب است که درک صحیح آن در چگونگی برخورد به جنبش های اجتماعی منعکس می شود.

در رابطه با بخش دیگر سوال، "وجه اسلامی" حکومت سرمایه در ایران. کمونیستی که تشخیص دهد در شرایط حاضر مهمترین عرصه مبارزه طبقاتی سرنگونی رژیم اسلامی و لاجرم، زدن رژیم اسلامی در عرصه سیاست و ایدئولوژی است، مارکسیسم را بنظر من نفهمیده است. لذا علاوه بر آنکه مساله نفس حجاب برای یک کمونیست مهم است، زیرا طرفدار آزادی و برابری است؛ بلکه از نظر جایگاه جنبش علیه حجاب و آپارتاید جنسی در مبارزه طبقاتی، بعنوان عرصه های مهم این مبارزه، این جنبش در استراتژی کمونیستی در ایران نقش مهمی دارد. کسانی که از زور باصطلاح "کارگر محوری" مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسی را بورژوازی ارزیابی می کنند و به آن بی توجه اند، مارکسیسم را درک نکرده اند. اینها نه کمونیست بلکه اکنونمیست و رفرمیست اند.

کمونیست ماهانه: سیاست کمونیسم کارگری در قبال بحث "تشکل مستقل زنان کارگر" چیست؟ آیا اگر زنان کارگر مستقلا خودشان متشکل شوند، بر درجه ای از تفرقه در جنبش کارگری فائق می آیند؟

آذر ماجدی: بطور

صفحه 5

چپ و مسئله زن، کمونیسم کارگری و مسئله زن ...

خواندن آن غیر مارکسیستی است. بسیاری از مطالبات زنان، بمعنی اخص کلمه، فرا طبقاتی اند: حقوق خانواده، آزادی های مدنی از جمله پوشش، سفر، تحصیل و قس علیهذا. یعنی شامل تمام زنان جامعه می شود. اتفاقا بخاطر موقعیت غیرممتاز و محروم زنان طبقه کارگر، برخی از این مطالبات برای آنها از اهمیت بیشتری برخوردارند، زیرا فقدان آنها محدودیت کمتر و تاثیرات منفی کمتری بر زنان طبقه بورژوا بعلت موقعیت اقتصادی- اجتماعی شان اعمال می کند.

در ادبیات کمونیستی اواخر قرن نوزده و اوایل بیست این دسته مطالبات را بورژوازی می خواندند. نه باین خاطر که فعالین و اکتیویست های آن منشاء غیر پرولتاری داشتند، بلکه از اینرو که اینها مطالباتی محسوب می شدند که منطقا با عروج سرمایه داری قابل دستیابی بودند، این مطالبات بورژوا- دموکراتیک خوانده می شدند؛ در تقابل با مطالباتی که فقط در یک جامعه سوسیالیستی قابل تحقق اند. اما نه تنها در همان مقطع نیز دستیابی به این مطالبات مستلزم مبارزه معینی بود؛ بلکه در دنیای معاصر دیگر آنچه مطالبات "بورژوا-دموکراتیک" خوانده می شد با عروج سرمایه داری قابل تحقق نیست. اکنون سرمایه داری تمام پهنه جهان را گرفته است؛ لیکن بخش اعظم جهان تحت دیکتاتوری خشن و اختناق و بی حقوقی کامل بسر می برد. باین اعتبار بخش عمده این مطالبات یا حقوق باصطلاح بورژوا - دموکراتیک فقط و فقط در یک جامعه سوسیالیستی قابل تحقق اند.

این اشتباه مختص چپ پوپولیست یا سنتی در ایران نیست. رهبران جنبش کمونیستی بین المللی در انترناسیونال دوم و سوم نیز همین نگرش را داشتند. یک نمونه برجسته این درک غیر مارکسیستی، مکانیکی و بعضا

همانگونه که فرهنگ حاکم کم عقل و فاقد استقلال رای می شناخت، ارزیابی می کنند.

کمونیست ماهانه: عمدتا این دیدگاه در میان چپ دیده میشود که به مسئله زن بعنوان یک موضوع قائم بذات اجتماعی برخورد نمیکنند. و یا به وجه طبقاتی حاکمیت تاکید بیشتری میکند تا به وجه اسلامی آن. اولا ایراد این نگرش تا به شناخت سرمایه داری و روبنای سیاسی آن مربوط است چیست؟ و ثانيا بحث رایج چپ، مبنی بر وجود دو گرایش بورژوازی و پرولتاری میان زنان چه مبنایی دارد؟ نقد کمونیسم کارگری به این دیدگاه چیست؟

آذر ماجدی: چپ سنتی جنبش های اجتماعی را نمی بیند و جایگاهی برای آنها در مبارزه طبقاتی قائل نیست. مبارزه طبقاتی نزد این چپ فقط در صحن کارخانه اتفاق می افتد؛ باین ترتیب مبارزه "صنفي" بر سر دستمزد و شرایط کار مبارزه طبقاتی است؛ اما مبارزات اجتماعی و سیاسی عمومی در جامعه بطور مثال بر سر مسائل ناسیونالیسم، مذهب، دموکراسی، آزادیهای مدنی، حقوق زنان و غیره مبارزاتی "بورژوازی" تلقی می شوند؛ اگر فرضا زنان کارگر برای خواستهای صنفی خویش مبارزه کنند، این مبارزه "پرولتاری" زنان ارزیابی می شود. البته در عرصه مبارزات ناسیونالیستی این چپ تخفیفی به نفع "خلق تحت ستم" قائل می شود. چپ سنتی از درک اهمیت و جایگاه مبارزه برای فرضا سکولاریسم، آزادیهای مدنی، سیاسی در مبارزه طبقاتی عاجز است.

در مقاطع مختلف در جوامع معین جنبش هایی برای برخی مطالبات سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی شکل می گیرد. "جنسیت" این جنبش ها را پیشاپیش نمی توان تعیین کرد؛ در سیر حرکت می توان جایگاه آنرا در مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای رهایی تشخیص داد. تا آنجا که به بحث کنونی ما مربوط می شود، جنبش آزادی زن یک جنبش قائم بذات است. بورژوازی یا پرولتاری

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

شد. اینها اعلام کردند که کار خانگی زنان بخشی از پروسه تولید ارزش اضافه است زیرا کار خانگی زنان بازتولید نیروی کار است، چه باز تولید روزمره نیروی کار و چه باز تولید نسلی. اعلام می کردند که این بحث را بر مبنای بحث مارکس در کاپیتال، بخش باز تولید نیروی کار استنتاج می کنند. از آنجا که در این بخش مارکس گفته است که بورژوازی باز تولید نیروی کار را بعهده خود کارگر می گذارد و یکی از فاکتورهای تعیین دستمزد کارگر هزینه باز تولید نیروی کار است. باینصورت این تئوریسین های فمینیست کار خانگی را بعنوان بخشی از پروسه تولید تعریف می کردند. برخی از آنها کار خانگی را بعنوان کار مولد ارزیابی می کردند، زیرا معتقد بودند که کار خانگی ارزش اضافه تولید می کند.

این بحث از نظر تئوری مارکسیستی بی پایه است. مارکس در کاپیتال زمانیکه از تولید ارزش اضافه صحبت می کند درباره پروسه اجتماعی تولید حرف می زند، نه هر عملی که در جامعه انجام می گیرد و ممکن است بر پروسه تولید تاثیر بگذارد. لذا در عین حالی که کار خانگی مهم است و تقسیم کار درون خانواده در موقعیت زن در جامعه تاثیر می گذارد، تئوری فوق: "کار خانگی بخشی از پروسه تولید ارزش اضافه است"، بحثی است کاملا اشتباه و غیر مارکسیستی. نتایج عملی این تئوری اشتباه غیر مارکسیستی تاکتیک های نادرست و حتی ارتجاعی است؛ تعیین دستمزد برای کار خانگی مظهر چنین تاکتیک هایی است.

چپ و مسئله زن، کمونیسم کارگری و مسئله زن ...

آنر ماجدی: مباحث بسیاری درباره کار خانگی و نقش آن در ستمکشی زن در گرفته است. در میان رهبران و فعالین کمونیست روسیه و آلمان در اواخر قرن نوزده و اوایل بیست کار خانگی بعنوان یکی از موانع اصلی پیشروی زنان و برابری آنها ارزیابی شده است. در پاسخ به این مساله امر اجتماعی شدن کار خانگی و نگهداری و پرورش کودکان طرح شده و تبلیغ می شده. انگلس این مساله را در کتاب منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت مطرح کرد و عقیده داشت که بدون آن رهایی زنان امکانپذیر خواهد بود. لنین هم بر این مساله تاکید بسیار داشت. در چند سال اولیه پس از انقلاب اکتبر بیشترین تاکید لنین بر اجتماعی کردن کار خانگی و نگهداری و پرورش کودکان بود. چهره های دیگر از جمله کولونتای نیز بر این مساله تاکید داشتند. کولونتای تا آنجا پیش می رفت که شعار "جدایی آشپزخانه از ازدواج" را تبلیغ می کرد و بنظرش اهمیت این مطالبه در سطح جدایی دین از دولت بود.

در دهه 70 میلادی برخی از تئوریسین های فمینیست متعلق به گرایش مارکسیست فمینیست بحثی را مطرح کردند که به "بحث کار خانگی" معروف

عام سیاست تشکلات مستقل زنان کارگر یک سیاست اشتباه و غیر پرولتاری است. می گویم بطور عام، باین خاطر که ممکن است در یک شرایط ویژه چنین تشکلی ضروری یا مطلوب باشد. تقسیم بندی طبقه کارگر به عناصر مختلف بر مبنای جنسیت، ملیت، زبان و قس علیهذا یک سیاست غیرکارگری و ارتجاعی است. این عمل نه تنها تفرقه در صفوف طبقه را کاهش نمی دهد، بلکه تعمیق می کند. بخصوص در جامعه ای که تحت اسلام قرار دارد معنایی بجز تعمیم آپارتاید جنسی اسلامی تحمیل شده خواهد داشت.

این سیاست را برخی گرایشات فمینیست از این زاویه که مردان زنان را سرکوب می کنند و زنان در سازمانهای "زنانه" بهتر می توانند از خود دفاع کنند و پوپولیسم با دنباله روی از گرایشات خود بخودی یا از زاویه پراگماتیستی تبلیغ می کنند. چنین سیاستی نه برفع منافع طبقه کارگر است و نه برفع حقوق زنان. کمونیسم کارگری باید قاطعانه علیه این سیاست و رواج آن درون طبقه کارگر بایستد. کارگران باید در تشکلات توده ای خود متشکل شوند. کمونیسم کارگری تشکیل مجامع عمومی و شورا را بعنوان بهترین تشکل توده ای طبقه کارگر تبلیغ می کند. همه کارگران باید در مجامع عمومی شرکت کنند و در تصمیم گیری سهم ایفاء نمایند. این تنها راه تامین منافع کوتاه مدت و دراز مدت کارگران است و تا آنجا که به حقوق زنان کارگر بعنوان زن بر می گردد، مبارزه در اتحاد با مردان و تلاش برای ایفای نقش برابر در تشکلات توده ای می تواند موقعیت زنان را در جامعه متحول کند. زنان قرار نیست موقعیت برابر خود را در میان زنان کسب کنند، بلکه در عرصه های مختلف اجتماعی زنان باید به برابری با مردان برسند.

کمونیست ماهانه: در مورد کار خانگی چه فکر میکنید؟ میان چپ این دیدگاه رایج است که کار خانگی باید دستمزد داشته باشد و گوشه ای از پروسه استثمار است. کمونیسم کارگری چه نقدی به این دیدگاه دارد؟

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸،۳۰ بوقت تهران
از شبکه هات برد

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

KMTV

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

سوپاپ اطمینان جمهوری اسلامی، اشکال اعتراضی و ماهیت آن، و ... اظهار نظر و سوالاتی را طرح کردند. جلسه بمدت بیش از چهار ساعت با شور و علاقه بطول انجامید.

سازمان آزادی روز زن را به زنان و مردان آزاده تبریک میگوید و آزادیخواهان و برابری طلبان را به برگزاری باشکوه روز جهانی زن فرامیخواند.

زنده باد 8 مارس روز جهانی زن!

سازمان آزادی زن
2 مارس 2014

برگزاری جلسه بمناسبت روز زن در گوتنبرگ

رابطه سرمایه داری و ستم بر زنان، نقش اسلام در زندگی فردی زنان در جامعه، سرکوب حکومت اسلامی و تقابل زنان، حجاب و جایگاه آن برای جنبش اسلامی، اهمیت رهبری سیاسی در ایران، نقد سیاستهای فعالین جنبش ملی اسلامی در زمینه مسئله زن بعنوان

روز شنبه اول مارس در گوتنبرگ، کنفرانسی بمناسبت روز جهانی زن برگزار شد. سخنرانان این جلسه آذر ماجدی از سازمان آزادی زن و مینا احدی از فتنه، جنبش برای رهائی زن بودند. کریم نوری رئیس جلسه و از فعالین سازمان آزادی زن ضمن خوش آمد به شرکت کنندگان و تبریک روز زن جلسه را آغاز کرد. در ادامه نوشتن قادری پیام خانم آمینه مرادی مادر زانیار مرادی به کنفرانس را قرائت کرد. در این پیام ضمن تبریک روز زن و قدردانی از تلاشهای آزادیخواهان برای ممانعت از اعدام، دعوت شده بود که کاری کنیم که هیچ کسی اعدام نشود و هیچ مادری در انتظار خبر به قتل رسیدن فرزندش نباشد.



نشست با سخنرانی آذر ماجدی و مینا احدی ادامه یافت. موضوع جلسه، "جنبش آزادی زن در منطقه در تقابل با اسلام سیاسی، ملزومات پیشروی کدامند؟" بود. آذر ماجدی ضمن بررسی وضعیت منطقه به تقابلهای اساسی از جمله تقابل جنبش آزادی زن با اسلام سیاسی پرداخت و با اشاره به شکست پروژه "اسلام معتدل" دول غربی بعنوان آلترناتیوی برای مردم بپاخواسته در منطقه و عروج جنبش برابری زن و مرد، به عرصه های نبرد سیاسی و طبقاتی در این کشورها و مشخصا بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و شکست و پس راندن جنبش اسلامی تاکید کرد. مینا احدی به جایگاه و نقش اسلام در زندگی روزمره زنان در خانواده و جامعه و سرکوب و تحمیل بیحقوقی مستمر به زنان پرداخت. مینا احدی با اشاره به نقش اسلام و مذهب در کشمکشهای سیاسی، جایگاه مبارزه برای سکولاریسم در این جدالها، به اهمیت تقابل قاطع جنبش آزادی زن با اسلام و جنبش اسلامی پرداخت.

آزادی زن نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه: آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

در ادامه جلسه با اظهار نظر و پرسش و پاسخ حضار ادامه یافت. شرکت کنندگان با شور و علاقه بسیار در بحثی زنده و شاداب در جلسه دخالت داشتند و مباحثی از قبیل

حقوق برابر زن و مرد در ازای کار مشابه!

زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب!

در همبستگی با مبارزات زنان در سراسر جهان برای آزادی و برابری و حمایت از جنبش آزادی زن در ایران در ۸ مارس، روز جهانی زن به خیابان بیاییم!

این روز روز ماست. در این روز باید با صدای بلند اعلام کنیم، که برای دستیابی به هر ذره آزادی زن رژیم اسلامی باید سرنگون شود. با شرکت خود در آکسیون ۸ مارس، حمایت و پشتیبانی خود را از جنبش آزادی زن در ایران در مبارزه رو در رو با زن ستیزترین نظام های دوران معاصر اعلام میکنیم.

سازمان آزادی زن یکبار دیگر از شما دعوت می کند تا با هم در این روز با شعار ستم بر زن موقوف، نه به حجاب اسلامی، نه آپارتاید جنسی، نه به حکومت مذهبی، فریاد زنان ایران را به گوش جهانیان برسانیم.

در این روز با صدای رسا آزادی و برابری را فریاد میکشیم و به جهانیان اعلام کنیم که جنبش آزادی زن در ایران قدرتمند و فعال است و تا دستیابی به آزادی زن و برابری زن و مرد از پای نخواهد نشست.

زمان: دوشنبه ۸ مارس ۲۰۱۴، ساعت ۱۵-۱۷ الی ۱۷
مکان: برونزیپارکن، جنب مجسمه یوهانا، گوتنبرگ سوئد

برای اطلاعات بیشتر با تلفن شهلا نوری تماس بگیرید 0737262622

مارس ۲۰۱۴
روز جهانی زن
 تورنتو، کانادا




آذر ماجدی



مینا احدی



هما ارجمند

**آزادی زن در ایران،
 موانع و گره گاهها**

محل: Thornhill Community Centre
 7755 Bayview Avenue
 Toronto, Canada

برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً با فخری
 جواهری تماس بگیرید. شماره تلفن
 ۶۴۷۴۰۵۶۸۰۲

زمان: شنبه ۸ مارس ۲۰۱۴
 از ساعت ۶ و نیم عصر تا ۱۲ و نیم شب
 موزیک و شام. ورودی ۳۰ دلار

سازمان آزادی زن
www.womensliberation.net

سازمان آزادی زن
 Women's Liberation - Iran



نه به حجاب اسلامی

زنده باد آزادی زن
 سرکوب زن ممنوع
 ستم بر زن موقوف




آزادی زن محور آزادی جامعه است

حقوق زن نه شرقی است نه غربی، جهانی است!

بمناسبت 8 مارس

جنبش آزادی زن پیشتاز مبارزه برای آزادی و برابری!

بشریت آزادیخواه و برابری طلب بیش از یک قرن است که برای آزادی و برابری زنان مبارزه می کند. این مبارزه به اشکال مختلف در جریان است؛ از مبارزات فردی تک تک زنان آزادیخواه در اعتراض به بردگی جنسی تا جنبش های عظیم اجتماعی؛ امر آزادی و برابری آنچنان قوی و عمیق است که علیرغم شکست های متعدد یا دستیابی به دستاوردهای مختلف کماکان ادامه یافته است و تا زمانیکه آزادی بی قید و شرط زنان و برابری کامل و واقعی جنسی در جهان تحقق نیابد، ادامه خواهد یافت.

برگزیدن روزی بنام روز جهانی زن، روزی که در آن ده ها زن کارگر برای دستیابی به خواست برحق خود به اعتراض برخاستند و توسط سربازان سرمایه در آمریکا به خاک و خون کشیده شدند، بیانگر جهانشمولی این خواست در دنیای معاصر است. اکنون بیش از یک قرن است که آزادیخواهان و برابری طلبان در سراسر جهان این روز را گرامی می دارند. 8 مارس مظهر آزادیخواهی و برابری طلبی انسانی و جهانی است.

جنبش آزادی زن در ایران از سی و پنج سال پیش، از زمان بقدرت رسیدن یک حکومت سیاه ضد زن اسلامی هر ساله به هر شکل ممکن در این گرامیداشت جهانی شرکت می کند. جنبش آزادی زن ایران یک گردان مهم و پیشتاز آزادیخواهی و برابری طلبی جهانی است. علیرغم سرکوب خشن، تحمیل عقب مانده ترین سنن و ارزشهای قرون وسطایی زن ستیز جنبش آزادی زن به تلاش خستگی ناپذیر خود برای آزادی و برابری ادامه می دهد؛ ارزشها و سنن قرون وسطایی، آیه های خدایی و نمایندگان زمینی آنها به مصاف می طلبد و به سخره می کشد. جنبش آزادی زن در ایران مهمترین دشمن جنبش سیاه اسلامی است.

در چند سال گذشته با بیا خاستن مردم کارگر، زحمتکش و ستمدیده منطقه اسلام زده، جنبش آزادی زن در کل منطقه به حق طلبی بلند شده است و "نه" رسای خود را علیه اسلام و جنبش اسلامی فریاد می زند. جنبش اسلامی دریافته است که برای تثبیت قدرت خویش؛ برای اینکه موفق شود حجاب سیاه اختناق اسلامی را بر سر جامعه بکشد باید با جنبش آزادی زن تسویه حساب کند.

جنبش آزادی زن باید همراه و در اتحاد با جنبش آزادی زن در منطقه صفوف خود را محکمتر و متحد تر سازد. پیروزی علیه این جنبش سیاه ضد زن امکانپذیر است. 8 مارس یک فرصت مناسب برای قدرتمندی علیه آن و بیان خواسته های ما است. باید با استقبال این روز برویم. برای گرامیداشت هر چه باشکوه تر آن آماده شویم. اعتراضمان را در سطح گسترده منعکس کنیم. رژیم اسلامی هر ساله در هراس از قدرت ما به استقبال این روز می رود. باید سنگرهای مبارزه را مستحکمتر کنیم. آزادی و برابری زنان قبل از هر چیز در گرو به زیر کشیدن این رژیم سیاه است. با به زیر کشیدن این نظام یک پیشروی بزرگ علیه کل جنبش اسلامی و مناسبات زن ستیز در منطقه خواهیم داشت.

سازمان آزادی زن تمام زنان و مردان آزادیخواه را به گرامیداشت 8 مارس فرا می خواند. این روز، روز ماست. این روز فرصتی برای تحکیم اتحاد و تقویت صفوف ماست. ما تنها نیستیم. بشریت آزادیخواه و برابری طلب در سراسر جهان در کنار ماست. ما می توانیم و باید به پیشتاز مبارزه علیه جنبش اسلامی و زن ستیزی قرون وسطایی بدل شویم؛ باید این جنبش سیاه را به همراه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی و کلیه سنن و مظاهر زن ستیز از صفحه جامعه برویم.

زنده باد 8 مارس

زنده باد آزادی و برابری

نه به ستم بر زنان، نه به سرکوب زنان

سازمان آزادی زن

فوریه 2014

به سازمان آزادی زن پیوندید!